

چهل حدیث زیبا از امام حسن عسکری علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">



حدیث اول

1- قَالَ الْإِمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ (عليه السلام) :
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيَّنَّ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ يُعْطِيهِ اللُّغَاتِ، وَمَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَالْأَجَالِ وَالْحَوَادِثِ،
وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوحِ فَرْقٌ. [1]

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: همانا خداوند متعال، حجت و خلیفه خود را برای بندگان
الگو و دلیلی روشن قرار داد، همچنین خداوند حجت خود را ممتاز گرداند و به تمام لغت ها و اصطلاحات قبائل و
اقوام آشنا ساخت و آنساب همه را می شناسد و از نهایت عمر انسان ها و موجودات و نیز جریات و حادثه ها
آگاهی کامل دارد و چنانچه این امتیاز وجود نمی داشت، بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود.

حدیث دوم

2- قَالَ (عليه السلام) : عَلَامَةُ الْإِيمَانِ خَمْسٌ: التَّحَنُّنُ بِالْإِيمَانِ، وَ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ. [2]

فرمود: علامت و نشانه ایمان پنج چیز است: انگشتن به دست راست داشتن، خواندن پنجاه و یک رکعت نماز
(واجب و مستحب)، خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» را (در نماز ظهر و عصر) با صدای بلند، پیشانی را - در حال
سجده - روی خاک نهادن، زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) انجام دادن.

حدیث سوم

3- قَالَ (علیه السلام) : لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ، وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ. ([3])
فرمود: عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست، بلکه عبادت با تفکر و اندیشه در قدرت بی منتهای خداوند در امور مختلف می باشد.

حدیث چهارم

4- قَالَ (علیه السلام) : خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَنَفْعُ الْأَخْوَانِ. ([4])
فرمود: دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نمی باشد عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان.

حدیث پنجم

5- قَالَ (علیه السلام) : قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، مُؤْمِنُهُمْ وَ مُخَالِفُهُمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسِطُ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكْلُمُهُم بِالْمُدَارَاهِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ. ([5])
فرمود: با دوست و دشمن خوش گفتار و خوش برخورد باشید، اما با دوستان مؤمن به عنوان يك وظيفه كه بايد هميشه نسبت به يكدیگر با چهره ای شاداب برخورد نمایند، اما نسبت به مخالفین به جهت مدارا و جذب به اسلام و احکام آن.

حدیث ششم

6- قَالَ (علیه السلام) : اللَّحَاقُ بِمَنْ تَرْجُو خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ مَعَ مَنْ لَا تَأْمَنُ شَرَّهُ. ([6])
فرمود: تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شرّ - جانی، مالی، دینی و... - برایت داشته باشد.

حدیث هفتم

7- قَالَ (عليه السلام) : إِيَّاكَ وَ الْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرَّئَاسَةِ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ. ([7])
فرمود: مواظب باش از این که بخواهی شایعه و سخن پراکنی نمائی و یا این که بخواهی دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه آن گردی، چون هر دوی آن ها انسان را هلاک خواهد نمود.

حدیث هشتم

8- قَالَ (عليه السلام) : إِنَّ مُدَارَةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ. ([8])
فرمود: مدارا و سازش با دشمنان خدا - و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در حال تقیّه - بهتر است از هر نوع صدقه ای که انسان برای خود بپردازد.

حدیث نهم

9- قَالَ (عليه السلام) : حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ. ([9])
فرمود: نیکوئی شکل و قیافه، یک نوع زیبایی و جمال در ظاهر انسان پدیدار است و نیکو بودن عقل و درایت، یک نوع زیبایی و جمال درونی انسان می باشد.

حدیث دهم

10- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ. ([10])
فرمود: هرکس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده؛ و چنانچه علنی باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است.

حدیث یازدهم

11- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ. ([11])
فرمود: کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل اخلاقی و حقوق مردم را نکند، تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند.

حدیث دوازدهم

12- قَالَ (عليه السلام) : مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ. ([12])

فرمود: قبیح ترین و زشت ترین حالت و خصلت برای مؤمن آن حالتی است که دارای آرزویی باشد که سبب ذلت و خواری او گردد.

حدیث سیزدهم

13- قَالَ (عليه السلام) : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسَبَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ. ([13])

فرمود: بهترین دوست و برادر، آن فردی است که خطاهای تو را به عهده گیرد و خود را مقصر بداند.

حدیث چهاردهم

14- قَالَ (عليه السلام) : مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ. ([14])

فرمود: حق و حقیقت را هیچ صاحب مقام و عزیزی ترك و رها نکرد مگر آن که ذلیل و خوار گردید، همچنین هیچ شخصی حق را به اجراء در نیاورد مگر آن که عزیز و سربلند شده است.

حدیث پانزدهم

15- قَالَ (عليه السلام) : مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا. ([15])

فرمود: یکی از مصائب و ناراحتی های کمرشکن، همسایه ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود آن را پنهان و مخفی دارد و اگر ناراحتی و اذیتی متوجه اش گردد آن را علنی و آشکار سازد.

حدیث شانزدهم

16- قَالَ (عليه السلام) لِشِيعَتِهِ: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْأَجْتِهَادِ لِلَّهِ، وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، وَطَوْلِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ. ([16])

به شیعیان و دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرب به خداوند

کوشا باشید و در صحبت ها صداقت نشان دهید، هرکس امانتی را نزد شما نهاد آن را سالم تحویلش دهید، سجده های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوش رفتاری و نیکی نمائید.

حدیث هفدهم

17- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ تَوَاصَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصِّدِّيقِينَ، وَمِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حَقًّا. ([17])

فرمود: هرکس در دنیا در مقابل دوستان و هم نوعان خود متواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در زمره صدیقین و از شیعیان امام علی (علیه السلام) خواهد بود.

حدیث هجدهم

18- قَالَ (عليه السلام) : إِنَّهُ يُكْتَبُ لِحَمَى الرَّبْعِ عَلَى وَرْقِهِ، وَ يُعَلَّقُهَا عَلَى الْمَحْمُومِ: «يَا نَارُكُونِي بَرْدًا»، فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ. ([18])

فرمود: کسی که ناراحتی تب و لرز دارد، این آیه شریفه قرآن در «سوره انبیاء، آیه 69» را روی کاغذی بنویسد و بر گردن او آویزان نماید تا با اذن خداوند متعال بهبود یابد.

حدیث نوزدهم

19- قَالَ (عليه السلام) : أَكْثَرُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ وَ ذَكَرَ الْمَوْتُ، وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ. ([19])

فرمود: ذکر و یاد خداوند متعال، مرگ و حالات آن، تلاوت و تدبر قرآن؛ و نیز صلوات و درود فرستاد بر حضرت رسول - و اهل بیتش (علیهم السلام) - را زیاد و به طور مکرر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آن ها، ده حسنه و ثواب می باشد.

حدیث بیستم

20- قَالَ (عليه السلام) : إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَنْقُوضَةٍ وَأَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزِرْ شَرًّا يَخْصِدْ نِدَامَةً. ([20])

فرمود: همانا شما انسان ها در يك مدّت و مهلت کوتاهی به سر می برید که مدّت زمان آن حساب شده و معین

می باشد و مرگ، ناگهان و بدون اطلاع قبلی وارد می شود و شخص را می رباید، پس متوجّه باشید که هرکس هر مقدار در عبادت و بندگی و انجام کارهای نیک تلاش کند - فردای قیامت - غبطه می خورد که چرا بیشتر انجام نداده است و کسی که کار خلاف و گناه انجام دهد پشیمان و سرافکنده خواهد بود.

حدیث بیست یکم

21- قَالَ (عليه السلام) : إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ. ([21])
فرمود: همانا رسیدن به خداوند متعال و مقامات عالیّه یک نوع سفری است که حاصل نمی شود مگر با شب زنده داری - و تلاش در عبادت و جلب رضایت او در امور مختلف - .

حدیث بیست دوم

22- قَالَ (عليه السلام) : الْمَقَادِيرُ الْغَالِبَةُ لَا تُدْفَعُ بِالْمُغَالَبَةِ، وَ الْأَرْزَاقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّهِ، وَ لَا تُدْفَعُ بِالْأُمْسَاكِ عَنْهَا. ([22])
فرمود: مقدّراتی که در انتظار ظهور می باشد با زرنگی و تلاش از بین نمی رود و آنچه مقدّر باشد خواهد رسید، همچنین رزق و روزی هرکس، ثبت و تعیین شده است و با زیاده روی در مصرف به جایی نخواهد رسید؛ و نیز با نگهداری هم نمی توان آن را دفع کرد.

حدیث بیست سوم

23- قَالَ (عليه السلام) : قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ، وَ فَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ. ([23])
فرمود: اندیشه احمق در دهان اوست، ولیکن دهان و سخن عاقل در درون او می باشد. (یعنی: افراد احمق اوّل حرف می زنند و سپس در جهت سود و زیان آن فکر می کنند، بر خلاف عاقل که بدون فکر سخن نمی گوید).

حدیث بیست چهارم

24- قَالَ (عليه السلام) : الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ. ([1])
فرمود: وجود شخص مؤمن برای دیگر مؤمنین برکت و سبب رحمت می باشد و نسبت به کفار و مخالفین حجّت و دلیل است.

حدیث بیست پنجم

25- قَالَ (علیه السلام) : لَا يَشْغَلُكَ رِزْقُ مَضْمُونٍ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ. ([2])
فرمود: مواظب باش که طلب روزی - که از طرف خداوند متعال تضمین شده - تو را از کار و اعمال واجب باز ندارد (یعنی؛ مواظب باش که به جهت تلاش و کار بیش از حد نسبت به واجبات سُست و سهل انگار نباشی).

حدیث بیست ششم

26- قَالَ (علیه السلام) : جُزْأُهُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ. ([3])
فرمود: رو پیدا کردن و جری شدن فرزند هنگام طفولیت در مقابل پدر، سبب می شود که در بزرگی مورد نفرین و غضب پدر قرار گیرد.

حدیث بیست هفتم

27- قَالَ (علیه السلام) : أَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، تَرَى مَا تُحِبُّ. ([4])
فرمود: نماز ظهر و عصر را دنباله هم - در اوّل وقت - انجام بده، که در نتیجه آن فقر و تنگ دستی از بین می رود و به مقصود خود خواهی رسید.

حدیث بیست هشتم

28- قَالَ (علیه السلام) : أَوْزَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشَّيْءِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِصَ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الدُّنُوبَ. ([5])
فرمود: پارساترین مردم آن کسی است که از موارد گوناگون شبهه و مشکوک اجتناب و دوری نماید؛ عابدترین مردم آن شخصی است که قبل از هر چیز، واجبات الهی را انجام دهد؛ زاهدترین انسان ها آن فردی است که موارد حرام و خلاف را مرتکب نشود؛ قوی ترین اشخاص آن شخصی است که هر گناه و خطائی را - در هر حالتی که باشد - ترک نماید.

حدیث بیست نهم

29- قَالَ (علیه السلام) : لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَلَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ. ([6])
فرمود: کسی قدر نعمتی را نمی داند مگر آن که شکرگزار باشد و کسی نمی تواند شکر نعمتی را انجام دهد مگر آن که اهل معرفت باشد.

حدیث سیم

30- قَالَ (علیه السلام) : مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يُغْفَرُ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَيْتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا. ([7])
فرمود: بعضی از گناهانی که آمرزیده نمی شود: خلاقی است که شخصی انجام دهد و بگوید: ای کاش فقط به همین خلاف عقاب می شدم، یعنی؛ گناه در نظرش ناچیز و ضعیف باشد.

حدیث سی یکم

31- قَالَ (علیه السلام) : بُئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ، يَطْرَى أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَ إِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ. ([8])
فرمود: بد آدمی است آن که دارای دو چهره و دو زبان می باشد؛ دوست و برادرش را در حضور، تعریف و تمجید می کند ولی در غیاب و پشت سر، بدگوئی و مذمت می نماید که همانند خوردن گوشت های بدن او محسوب می شود، چنین شخص دو چهره اگر دوستش در آسایش و رفاه باشد حسادت می ورزد و اگر در ناراحتی و سختی باشد زخم زبان می زند.

حدیث سی دوم

32- قَالَ (علیه السلام) : مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ. ([9])
فرمود: یکی از نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هرکس برخورد نمائی سلام کنی و در هنگام ورود به مجلس هر کجا، جا بود بنشینی - نه آن که به زور و زحمت برای دیگران جائی را برای خود باز کنی -.

حدیث سی سوم

33- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ رَضِيَ بِذُنُوبِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ، مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمُرُّ بِهِ. ([10])

فرمود: کسی که متکبر نباشد و موقع ورود به مجلس هر کجا جائی بود بنشیند تا زمانی که حرکت نکرده باشد خدا و ملائکه هایش بر او درود و رحمت می فرستند؛ از علائم و نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هر شخصی برخورد نمودی سلام کنی.

حدیث سی چهارم

34- قَالَ (عليه السلام) : لَا تُمَارِ فَيَذْهَبُ بِهَاؤُكَ، وَ لَا تُمَارِخْ فَيُجْتَرَأُ عَلَيْكَ. ([11])
فرمود: با کسی جدال و نزاع نکن که بهاء و ارزش خود را از دست می دهی، با کسی شوخی و مزاح - ناشایسته و بی مورد - نکن وگرنه افراد بر تو جریء و چیره خواهند شد.

حدیث سی پنجم

35- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ آثَرَ طَاعَةَ أَبَوَيْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى طَاعَةِ أَبَوَيْ نَسَبِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ: لَأَوْ ثَرَّتْكَ كَمَا آثَرْتَنِي، وَلَأَشْرَفَتْكَ بِحَضْرَةِ أَبَوَيْ دِينِكَ كَمَا شَرَّفْتَ نَفْسَكَ بِإِثَارِ حُبِّهِمَا عَلَى حُبِّ أَبَوَيْ نَسَبِكَ. ([12])

فرمود: کسی که مقدم دارد طاعت و پیروی پیغمبر اسلام حضرت محمد و امیرالمؤمنین امام علی صلوات الله علیهما را بر پیروی از پدر و مادر جسمانی خود، خداوند متعال به او خطاب می نماید: همان طوری که دستورات مرا بر هر چیزی مقدم داشتی، تو را در خیرات و برکات مقدم می دارم و تو را همنشین پدر و مادر دینی یعنی حضرت رسول و امام علی علیهما السلام می گردانم، همان طوری که علاقه و محبت - عملی و اعتقادی - خود را نسبت به آن ها بر هر چیزی مقدم داشتی.

حدیث سی ششم

36- قَالَ (عليه السلام) : لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ. ([13])
فرمود: از ادب - و اخلاق انسانی و اسلامی - نیست که در حضور شخص مصیبت دیده و غمگین، اظهار شادی و سرور کند.

حدیث سی هفتم

37- قَالَ (عليه السلام) : مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَالْجَلَمُ خُلُقَهُ، كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالتَّنَاءُ عَلَيْهِ. ([14])
فرمود: هرکس ورع و احتیاط در روش زندگیش، بزرگواری و سخاوت عادت برنامه اش و صبر و بردباری برنامه اش باشد؛ دوستانش زیاد و تعریف کنندگانش بسیار خواهند بود.

حدیث سی هشتم

38- قَالَ (عليه السلام) : أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ، وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا، أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا. ([15])
فرمود: هرکس حقوق هم نوعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندی های آن ها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیتی خاصی خواهد بود.

حدیث سی نهم

39- قَالَ (عليه السلام) : اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ. ([16])
فرمود: تقوای الهی را - در همه امور - رعایت کنید، و زینت بخش ما باشید و مایه ننگ ما قرار نگیرید، سعی کنید افراد را به محبت و علاقه ما جذب کنید و زشتی ها را از ما دور نمائید؛ درباره ما آنچه از خوبی ها بگویند صحیح است و ما از هر گونه عیب و نقصی مبرا خواهیم بود.

حدیث چهلیم

40- قَالَ (عليه السلام) : يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضَعْفَاءِ مُجِبِّينَا وَ أَهْلِ وِلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بَهَاءٌ، قَدْ انْبَثَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَ دُورِهَا مَسِيرَةٌ ثَلَاثِمِائَةٍ أَلْفٍ سَنَةٍ. ([17])

فرمود: آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه مندان ما، تلاش کرده اند، روز قیامت در حالتی وارد صحرای محشر می شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه جا را روشنائی می بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره مند خواهند شد.

- [1] - اصول کافی: ج 1، ص 519، ح 11. [2] - حقيقه الشيعه: ج 2، ص 194، وافى: ج 4، ص 177، ح 42. [3] - مستدرک الوسائل: ج 11، ص 183، ح 12690. [4] - تحف العقول: ص 489، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 26. [5] - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 261، ح 14061. [6] - مستدرک الوسائل: ج 8، ص 351، ح 5، بحار الأنوار: ج 71، ص 198، ح 34. [7] - بحار الأنوار: ج 50، ص 296، ضمن ح 70. [8] - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 261، س 15، بحار الأنوار: ج 75، ص 401، ضمن ح 42. [9] - بحار الأنوار: ج 1، ص 95، ح 27. [10] - تحف العقول: ص 489، س 20، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 33. [11] - بحار الأنوار: ج 68، ص 336، س 21، ضمن ح 22. [12] - تحف العقول: ص 498، س 22، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 35. [13] - بحار الأنوار: ج 71، ص 188، ح 15. [14] - تحف العقول: ص 489، س 17، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 24. [15] - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، ح 11. [16] - أعيان الشيعه: ج 2، ص 41، س 30، بحار الأنوار: ج 75، ص 372، ح 12. [17] - احتجاج طبرسى: ج 2، ص 517، ح 340، بحار الأنوار: ج 41، ص 55، ح 5. [18] - طب الائمه سيد شير: ص 331، س 8. [19] - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، س 21، ضمن ح 12. [20] - أعيان الشيعه: ج 2، ص 42، س 2، بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 19. [21] - أعيان الشيعه: ج 2، ص 42، س 29، بحار الأنوار: ج 75، ص 380، س 1. [22] - أعلام الدين: ص 313، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 379، س 18. [23] - تحف العقول: ص 489، س 8، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 21. [1] - تحف العقول: ص 489، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 20. [2] - تحف العقول: ص 489، س 9، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 22. [3] - تحف العقول: ص 489، س 14، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 27. [4] - كافى: ج 3، ص 287، ح 6. [5] - أعيان الشيعه: ج 2، ص 42، س 1، بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 18. [6] - أعلام الدين ديلمى: ص 313، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 378، س 16. [7] - غيبه شيخ طوسى: ص 207، ح 176، بحار الأنوار: ج 50، ص 250، ح 4. [8] - بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 14. [9] - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، ح 9. [10] - بحار الأنوار: ج 78، ص 466، ح 12، به نقل از تحف العقول. [11] - أعيان الشيعه: ج 2، ص 41، س 23، بحار الأنوار: ج 75، ص 370، ح 1. [12] - تفسير الإمام العسكرى (عليه السلام): ص 333، ح 210. [13] - بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 28. [14] - أعلام الدين: ص 314، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 379، س 22. [15] - احتجاج طبرسى: ج 2، ص 517، ح 340. [16] - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، س 18. [17] - تفسير الإمام العسكرى (عليه السلام): ص 345، ح 226.